

تحت تاثیر شبانه شاملودر زمانی که افغانستان
اسیرروس بود سروده شده است -

دوستش میدارم

دوستش میدارم

چرا که میدانم میهنم زیباست

مردمش

همه پر صدق و با صفاست

همه بیگانه با عداوت اند

هنگامی که چشمانم را می بدم

این حقیقت تلخ را در می یابم

که میهنم در پنجه دشمن اسیر است

غمی مدهوش سرو پایم را فرا می گیرد

اندوهی

که چو غروبی دلگیر است

در غربت تنهایی

آه دریغا! دره های سر سبز و زیبای ما

و آن سرود سر خوش رودبار

و آن گرمی بی آرایش دهات

که اکنون از بین رفته است

غیرت مردی و شرم زنانه، همچو همه گفته های بیهوده

در پرده از رزم و جهاد حق به فریاد آمده اند

دریغا مهتاب

دریغا ستاره گان

که هنگامی در چشم انداز ما

زیبایی های شهر را نمایان می ساخت

کنون در سایه های مبهم خویش

لاش ها را نهان میکند

دریغا آن بارانی که به شیطنت

با برگ های سبز تاک بازی می کرد

اکنون سرد و خاموش
لکه های خون شهیدان را

ریزو تند

در میان دره ها

از نظر گاه مامی شویند

دریغا کودکان

که در دیار بیگانه چشم گشوده اند

نشانی زمیهن خویش ندارند

زیرا مادرانشان

سال ها پیش با حسرت

میهن خویش را وا نهادندو به هجرت آغاز کردند

(سوما کاپوانی) اکتوبر 2008